

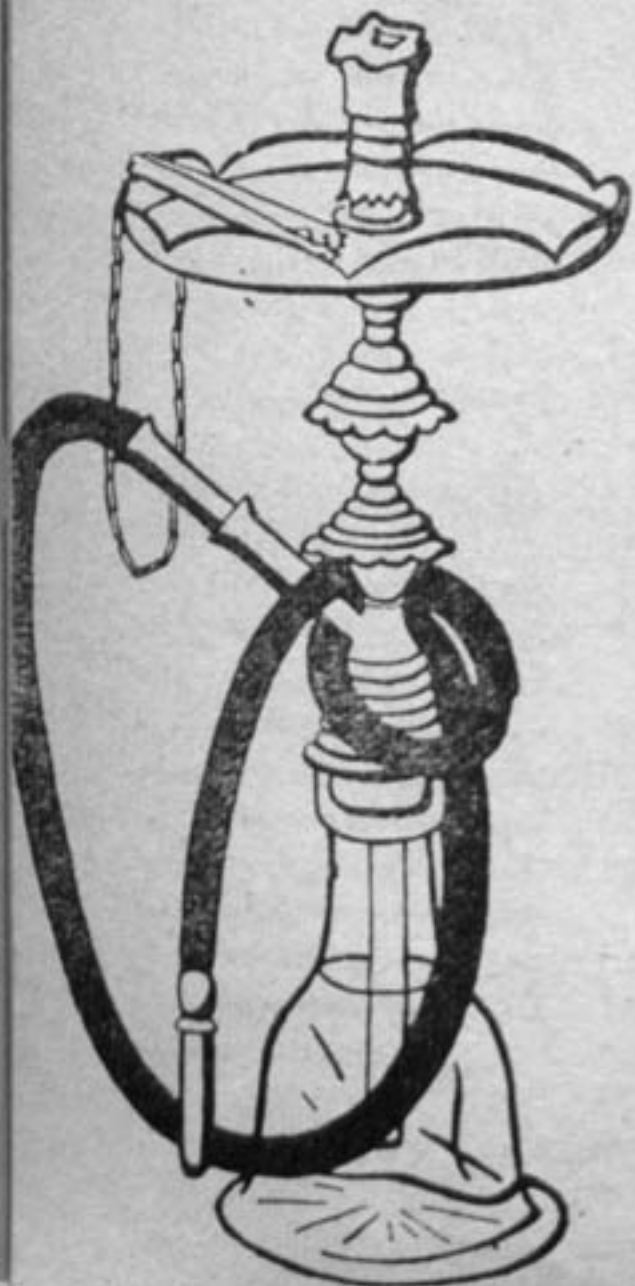
تاریخ قهوه خانه در ایران

تحقیق بوسیله گروه پنجگونی

دانشجویان سال دوم مؤسسه مطالعات

و تحقیقات اجتماعی

- ۱- بانو اشرف گرگانی (شفیعی)
- ۲- خسروی
- ۳- ادیب نسیمی
- ۴- جلانی
- ۵- محمد حسن خلیلی گرگانی

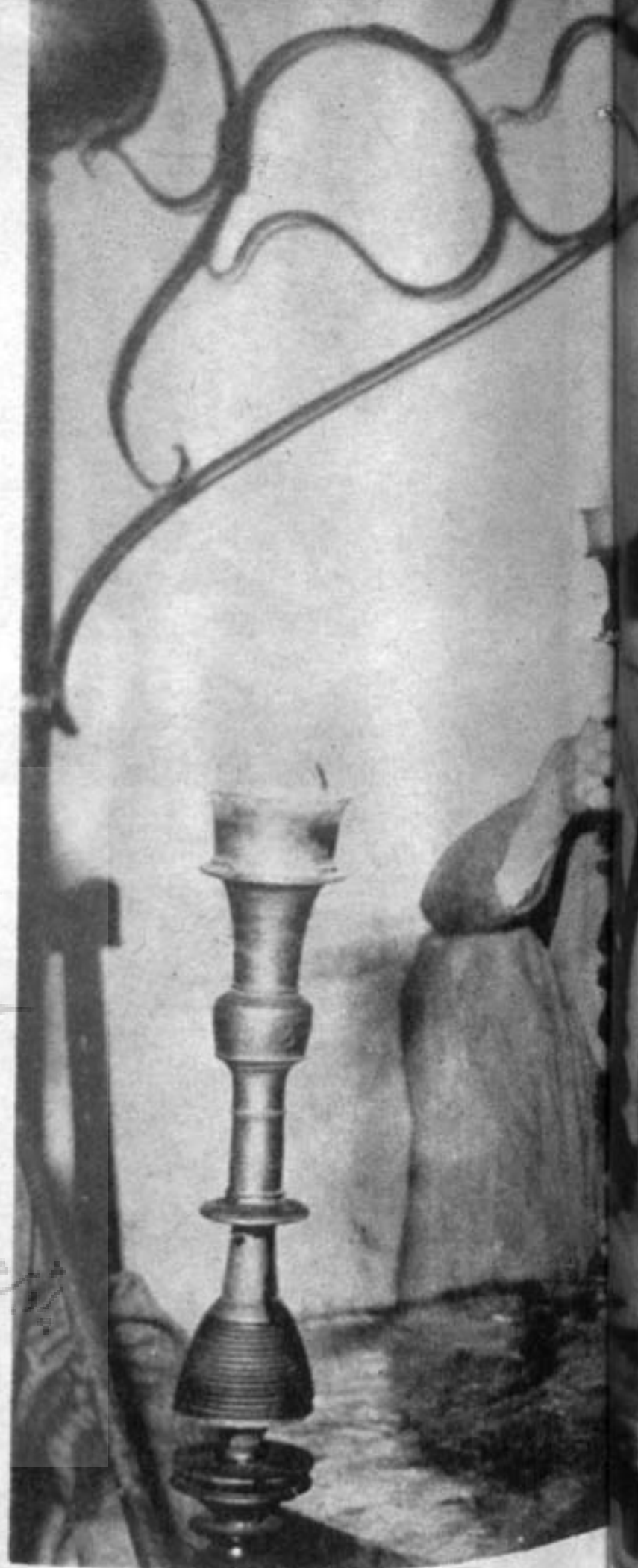


رواج یافت و در شهر اسلامبول و متصرفات اروپائی عثمانی هم در زمان سلطنت سلطان سلیمانخان قانونی (معاصر پاشاه طهماسب اول صفوی) خوردن قهوه مرسوم شد و اولین قهوه خانه را در سال ۹۹۲ هجری (۱۵۸۴ میلادی) در شهر استانبول باز کردند.

قهوه خانه های این شهر در آن زمان مرکز اجتماع مردم باذوق و متفکر شد مخصوصاً شاعران و ادیبان ترك در آنجا جمع میشدند و قهوه خانه را مکتب عرفان نام داده بودند و دبیری نگذشت که قهوه خانه خاصی هم در دستگاه سلطان دائر گشت و شغل قهوهچی باشی بر مشاغل دولتی افزوده شد.

از آنچه گذشت چنین بر می آید که قهوه در ابتدا از آفریقا به من و عربستان برده شده و سپس مصرف آن در قاهره و سوریه و روم و ایران رونق یافته است و کلمه متداول قهوه خانه همان لغت بیوت القهوه ایست که در سطور بالا بدان اشاره شد.

ورق برزیند



قهوه در سال ۹۱۷ هجری در شهر مکه متداول بوده و در آنجا قهوه خانه هایی نیز وجود داشته است که آنها را بیوت القهوه می گفته اند و مردم مکه از زن و مرد بقهوه خانه میرفته اند و در آنجا هم قهوه می نوشیده اند و هم از شنیدن موسیقی و بازی شطرنج سرگرم میشده اند.

در قاهره نوشیدن قهوه در ده سال اول قرن دهم هجری متداول شد و از آنجا در سوریه و روم و ایران

چنین بنظر میرسد که نخستین زارع و جوشاننده و نوشنده قهوه در عربستان همان علی بن عمر الساذسی بوده و شاید به همین سبب است که در الجزایر قهوه را هنوز هم ساذلیه مینامند.

آنچه مسلم است اینست که قهوه را پیش از قرن هشتم هجری (۱۴ میلادی) در عربستان جنوبی نمی شناخته اند و چنانکه از اشعار و داستان های عرب بر می آید نوشیدن



چگونگی پیدایش قهوه خانه در ایران

باتوجه بتاريخ چنین بنظر میرسد که نوشیدن قهوه از زمان شاه طهماسب اول در ایران معمول شده باشد زیرا در عهد شاه عباس در بیشتر شهرهای بزرگ ایران مخصوصاً در قزوین و اصفهان قهوه خانه های متعدد دایر شده بود. در اصفهان قهوه خانه های معروف بیشتر در اطراف میدان نقش جهان و چهارباغ و بازار قیصریه بود و طبقات مختلف مردم از اعیان و رجسال دربار و سران قزلباش تا شاعران و اهل قلم و نقاشان و سوداگران برای گذراندن وقت و دیدار دوستان و سرگرم ساختن خود و بازیهای مختلف یا مناظرات شاعرانه و شنیدن اشعار شاهنامه و حکایات و قصص و تماشای رقعه های کونا کون و بازی و تفریحات دیگر به آنجا می رفتند.

قهوه خانه ها بسیار وسیع بود و دیوارهای سفید و پاکیزه داشت در های قهوه خانه از چهارسو بخارج باز می شد و بیشتر قهوه خانه را بیسک صورت و یک اندازه پهلوی یکدیگر می ساختند بطوریکه میان آنها هیچگونه دیوار و پرده ای نبود و از درون هر قهوه خانه میشد قهوه خانه دیگر را دید و چنان می نمود که همه آنها دستگام واحدی است. در اطراف قهوه خانه طاق نماها و شاه نشین ها می ساخته بودند که با قالی و فرش

در آنجا شاه در یکی از اطراف قهوه خانه روی قالی نشست و لی سفیر اسپانی را که نمی توانست بسبب ایران به زمین بنشیند مقابل خود روی صندلی اذن جلوس داد. سفیر عثمانی هم در طرف چپ او قرار گرفت و در طاق نماهای مجاور سفیر مسکوی و مناسیبی او و یک کشیش روسی نشستند. نماینده انگلستان هم که آنروز منزلت و اعتبار زیادی در ایران نداشت با همراهان خود در طاق نماهای دورتر نشست و سایر میهمانان شاه نیز از کشیشان عیسوی و یکی از بستگان شریف مکه و جمعی از رجال و سران دولت دسته دسته در طاق نماهای اطراف جای گرفتند خان عالم سفیر هندوستان هم که مردی بسیار محترم و از منسوبان شاه هند بود رو بروی شاه عباس نشست. پس از آن دو تن از بچه رفاسان قهوه خانه یکی چرخ کس و یکی اصفهانی بفرمان شاه در لباس زنانه بسدای دایره و چهارپاره میان جمع برقص برخاستند.

بگفته سفیر اسپانی (در سفرنامه او) حرکات این دو بچه رقص از حرکات زنان نیز زنانه تر بود در انواع پایکوبی ایرانی و گرجی و هندی و تاتار ماهر بوده اند. در همان حال پیش شاه و سفیران سفره کوچکی گسترده و شام آورده شد شاه چند لقمه ای خورد ولی سفیران یساعت سیر بودند و با واسطه آنکه صرف طعام را در چنان محلی مناسب شان و مقام خود نمی دانستند چیزی نخوردند. و از نوشیدن قهوه هم که شاه بدست جوانان زیبایی

رازند کسی میکرد. در حدود سال ۱۰۱۲ هجری از شیراز به اصفهان رفت و چون در کار ساز و آواز مهارت می داشت و تصنیف های دلپذیر می ساخت مورد توجه و عنایت شاه عباس شد مخصوصاً که خوب روئی بنام کنجی نیز همراه خود داشت. شاه عباس کنجی را ازو گرفت و بخدمت خود داخل کرد و چنانکه گفتیم برای باباشمس در چهارباغ اصفهان قهوه خانه ای و پهلوی آن نیز میخانه ای برآورد و خود نیز گاه گاه بقهوه خانه می رفت و در میخانه باباشمس شراب خواری بدستور شاه عباس مجاز بود و در ایامی که میخواست قند عسل میشد شراب خواری تنها در میخانه باباشمس آزاد بود و هر کس که در آنجا شراب میخورد مهربانی بر کف دستش میزدند تا از مزاحمت مأموران داروغه اصفهان آسوده باشد.

پذیرائی های شاه در قهوه خانه

شاه عباس گاه میهمانان عالیقدر و سفیران بیگانه را نیز بسا خود به قهوه خانه می برد و از ایشان در آنجا پذیرائی میکرد از آن جمله در شب پنجشنبه ۷ رجب ۱۰۲۸ شان عالم سفیر نورالدین محمد جهانگیر پادشاه هندوستان و دن گاسار سفیر فیلیپسوم پادشاه اسپانی و سفیران عثمانی و دولت مسکوی (روسیه) و جمعی از کشیشان عیسوی در معیت شاه عباس یکی از قهوه خانه های میدان نقش جهان اصفهان رفتند

مفروش میشد و نشیمن گاه مشتریان و تماشاگران بود شهباز افسسای فراوانی را که از سقف قهوه خانه آویخته بود روشن میکردند در وسط قهوه خانه هم حوضی بزرگ بود که همیشه آب صاف و روشنی از اطرافش فرو ریخت و هنگام شب قهوه خانه نیز از آنکس چراغهای سقف و چراغهای دیگری که در اطراف حوض می گذاشتند روشنی باشکوهی داشت.

وضع قهوه خانه ها در زمان شاه عباس

در زمان شاه عباس اول کارکنان قهوه خانه ها بیشتر از اعیان جوانان خوب روی گزرجی و چرخ کس و ارمنی انتخاب می شدند از این میان جمعی بخدمت مشتریان مشغول بودند و جمعی با زلفهای بلند و لباسهای فریبنده برقصها و بازیهای کونا کون میپرداختند بهمن سبب قهوه خانه ها بیشتر معاد گاه نقش پرستان و شاعران و موسی بازان بود.

از قهوه خانه های معروف اصفهان در زمان شاه عباس قهوه خانه های عرب. بابافراش. حاجی یوسف. باباشمس تیشی کاشی. و قهوه خانه طوفان را نام برده اند.

قهوه خانه باباشمس تیشی را شاه عباس بخرج خود پسرای او در چهارباغ اصفهان دایر کرده بود. این مرد نخست در شیراز عمر که میگرفت و با کشتی کبری و طاس سازی و نوازندگی و آواز خوانی و بازیهای دیگر مردم را مشغول می ساخت و از این

قهوه خانه پیش ایشان می نهاد خود داری کردند و بمیکساری قدساعت نمودند: شاه با سفیران سلامتی پادشاهان آنها بی درین جسامهای شرابرا سرمیکشیدند و پس از صرف طعام و شستن دست با آفتابه لکن زرین دست و لبرا بادستمالی که همیشه بر کمر داشت خشک کرد و از جای برخاست و با میهمانان از قهوه خانه بیرون رفت.

شعرا و قهوه خانه

قهوه خانه مرکز سرگرمی و میعاد گاه شاعران و هنرمندان و اهل دل بوده است اینان همه روزه در قهوه خانه جمع میشدند و اشعار خود را

برای یکدیگر میخواندند. میرحیدری شاعر گفته است: مراد قهوه بودن بهتر از بزم شهبان باشد که اینجامیبه آن رامنتی بر میزبان باشد شعرا گاه آنچهارا که بدست می آوردند در قهوه خانه خرج می کردند چنانکه وقتی نجفی نامی از شعرای زمان شاه عباس یک صد تومان پولی را که شاه عباس باو عطا کرده بود در اندک زمان در قهوه خانه ای صرف عشق بازی کرد و شعاری دیگر بنام ادهم بیگ تر کمان نیز از هوس بازی در قهوه خانه «حاجی یوسف قهوه چی» کارش بر سوائی کشید.

در قهوه خانه شاهنامه و داستانهای حماسی دیگر نیز خوانده میشد و بسیاری از مردم برای شنیدن شاهنامه به آنجا میرفتند. شاهنامه خوانی کار آسانی نبود و شاهنامه خوانان غالباً خود شاعرو ادیب بودند. شاه عباس خود بشاهنامه فردوسی علاقه بسیار داشت و در مجلس اوشاعران سخن شناس و خوش آهنگ شاهنامه می خواندند از شاهنامه خوانان او یکی عبدالرزاق قزوینی خوش نویس بود که سالی سیصد تومان حقوق داشت و دیگر ملا کتابادی بود که در شاهنامه خوانی مشهور بود و سالی چهارصد تومان می گرفت.

از شاعرانی که در قهوه خانه شاهنامه میخواندند یکی ملا مومن کاشی معروف به بیکه سوار بوده است و دیگر میرزا محمد فارسی بواناتی بود که در قهوه خانه داستان حمزه رامی خواند. قصه گوئی و نقلی و مدح علی «ع» و گفتارهای دینی هم در قهوه خانه مرسوم بوده است که شرح مفصل آن بعداً خواهد آمد.

در زمان شاه عباس دوم وزیر اعظم او خلیفه سلطان که مردی متدین و متصب بود بنکار گماشتن جوانان خوب روی را در قهوه خانه ها ممنوع ساخت و از قهر و آواز ناپسند جلوگیری کرد. که از آن پس در قهوه خانه مردم از نوشیدن قهوه و کشیدن قلیان و چپق و بسیاری های مختلف مانند شطرنج و نرد و کنگفه و بیبناز و تخم مرغ بازی و امثال آن سرگرم میشدند.

چای بجای قهوه

بطوریکه سفیر فردریک دوک هلشتاین که در سال ۱۸۰۵ هجری به ایران آمده در سفرنامه خود نوشته است در زمان شاه صفی گذشته از قهوه خانه در اصفهان سرگزی نیز برای نوشیدن چای بوده است که آنرا چای خانه یا چای ختائی خانه می گفته اند نامبرده مینویسد چایخانه بر خلاف «شیرخانه که مرکز فارسی بچه ها و کارهای ناپسند است محل تفریح مردم محترم و نجیب است که در آنجا در ضمن نوشیدن چای به بازی شطرنج میپرداختند و شطرنج بازیان ایرانی غالباً از شطرنج بازیان مسکوی (روسیه) نیز زبردست ترند.»

داستانی از چپق و قلیان

هنوز ۵۱ سال از آورده شدن توتون چپوق بانگلستان در آن کشور پایان نیافته بود که چپوق کشی بایران رسید و شاه صفی از اولین کسانی بود

درویش قهوه خانه



که به چپق خو گرفت و کسی را برای پر کردن و چاق کردن چپق بر گزیده بود و درباره اینکه دود کشی از چه راهی بایران آمده است اقوال مختلف وجود دارد بعضی معتقدند هستند که از راه جنوب بدستبازی پرتقالیان و انگلستان که در خلیج فارس مستقر بودند و نیز دسته ای میگویند دود کشی بایران نیز از عثمانیان رسیده است و دلائلی در اثبات مدعای خود اظهار میدارند با توجه بواژه ترکی توتون که بمعنی دود است و چپوق که شکل ترکی واژه فارسی چوبک می باشد بمعنی چوبدستی باشد ظاهراً

ادعای دسته دوم صحیح تر است. غلیبان از آغاز رواج دود کشی در ایران معمول شده و از ساخته های ایرانیان می باشد و روی این اصل است که نام های قسمت های مختلف آن از سر غلیبان - میانه - میلاب - نیوشیسه از زبان فارسی گرفته شده و تاورنیه که در زمان های شاه صفی و پسرش شاه عباس دوم و نوه اش شاه سلیمان بایران سفرها کرده است بارها در سفرنامه اش از افزار دود کشی یاد میکند.

تنباکو از واژه اروپائی تاباک یا تابا کوست و در کشیدن غلیبان بکار می رود و از روی همان نام اروپائی گیاه تنباکو گرفته شده است. بسا پیدایش غلیبان دود کشان در ایران بدو دسته گردیدند غلیبان کشان و چپوق کشان درباریان بیشترشان غلیبان را پذیرفته اند و ملایان بیشترشان چپوق را گرفته اند.

اعیان در خانه خود آبدارخانه مفصلی ترتیب داده بودند و در سفر نیز مستخدمین برای درست کردن غلیبان با وسایل لازم که بآن (قبل منقل می گفتند) همراه می بردند. محمد رضا بیگ فرستاده شاه سلطان حسین بدر بار لوئی چهاردهم در سفر با همه سختیهای بسیار غلیبان خود را همراه داشته و در بین راه و حتی در پاریس از آن استفاده نموده است.

از چیزهای شنیدنی اینست که ملایان بدرازی چپوق معنی دادند هلمه ماه بایستی چپوقشان دراز باشد که چون راست

می نشینند و سر آنرا به میان دولب میکشند سردیکرش بر روی زمین باشد و نیاز پیدا نکنند که بدست گیرند و یا ختم شوند و اگر در مجلس مهمانی چپوق کوتاهی برای ملائی می آوردند سخت به ملا بر می خورد و این امر را اهانتی عظیم تلقی مینمود.

چپوق و غلیبان چقدر سو گواریها و چه در شادمانیها بکار میرفت تا اینکه در ۸۰ سال پیش ناگهان سیکار از اروپا از راه روسیه بایب ان رسید و کم کم توانست جایگزین چپوق و غلیبان بشود.

(نقل این قسمت از تاریخچه چپوق و غلیبان نوشته احمد کسروی چاپ دوم سال ۱۳۳۵ است)

وضع قهوه خانه هاپس از صفویه

پس از پایان دوره صفویه قهوه خانه ها از رونق سابق افتاد تا اینکه آغا محمدخان تهران را پایتخت قرار داد و چون مردم از وسایل جدید تفریح و سرگرمی محروم بودند و درین امکانه ای میگشتند که وقت اضافی خود را در آنجا بگذرانند از این رو قهوه خانه هایی در محله های مختلف تهران تاسیس گردید که مساحت بعضی از آنها پنجصد متر مربع میرسید و محلی تکیه مانند را تشکیل میداد و بسا اتفاق می افتاد که در روزهای سو گواری جلوی قهوه خانه را سیاه می بستند و منبری هم میگذاشتند و روضه میخواندند. کردا کرد بعضی از قهوه خانه به بلندی

یک متر و گاه یک متر و نیم از کاشی های مزین بتصویر خیالی شاهان داستانی و تاریخی ایران (مانند کیه خسرو و جمشید و هوشنگ و اردوان - نرسی - انوشیروان) پوشیده بود و سکوئی به بلندی یکصدلی یا نیمکت در سراسر محیط قهوه خانه ساخته بودند هر گاه مشتریان تمام سکوها را اشغال میکردند روی نیمکت های دراز پایه آهنی که بسیار ساده ساخته و بر روی سکوها نهاده شده بود می نشستند و جای می نوشیدند قهوه خانه ها مانند سونما های فعلی گرفته ویژه بنام «شاه نشین» داشت.

گذشته از تصاویر خیالی شاهان عکسهای از ائمه اطهار و پادشاهان بهر یک از دیوارها نصب شده و این تصاویر بطوریکه خواهد آمد بهترین وسیله برای «جارچی» بود. که جای فروش را از وجود مشتری خبر دار کند.

مقام اجتماعی قهوه چپی ها

ساحبان قهوه خانه ها از نظر مردم اعتبار و حیثیتی داشتند و حتی آنان را بعنوان مختلفه تشویق مینمودند چنانکه چهار راه سید علی را واقع در خیابان سعدی شمالی بنام آقا سید علی قهوه چپی که از محترمین آن محله بودند نام گذاشتند که تا کنون بهمان اسم معروف است.

در زمان ناصرالدین شاه صاحبان آن اماکن در مجامع رسمی و سایر امور شرکت میکردند بطوریکه مرحوم

عمو فیض اله که بزرگ قهوه چیان آن زمان بود باتفاق قاسم علی که او نیز احترامی داشت در اسب دوانی رسمی که در حضور شاه انجام میشد شرکت نموده و برنده مسابقه شد.

سلسله مراتب در قهوه خانه ها

هر قهوه خانه کارگران مختلفی دارد که از جارو کش شروع میشود و بجای فروش که مهمترین کارگر قهوه خانه است ختم میشود ترتیب کارگران قهوه خانه بنا بر اهمیت و میزان مزد باین شرح است:

- ۱- جای فروش مزد روزانه ۱۵۰ ریال
- ۲- پائی - معاوری < < ۱۲۰
- ۳- وردست < < ۱۰۰
- ۴- پادو < < ۸۰
- ۵- بازاررو مزد او بنا بر میزان فروش جای در بازار است و تومانی ۲ ریال حق فروش میکبرد
- ۶- استکان شوی مزد روزانه ۶۰ ریال
- ۷- قندی < < ۵۰
- ۸- سرچاق کن < < ۵۰ (مقصود قلیان درست کن است)
- ۹- جارو کش و نظافت چی
- ۱۰- جارچی (جارچی و نظیفه اش این بود که بالحن مخصوصی جای فروش را خبر میکرد)

تفریحات شبانه در قهوه خانه

از معروف ترین قهوه خانه های قدیم قهوه خانه ای موسوم به زرگر آباد در اواسط خیابان امیر کبیر بود که در آنجا یکدسته «تقلیدچی» معروف برای مشتریان در صحنه ای که در وسط محوطه ساخته بودند بازی در می آوردند یعنی نمایش های خنده آور (کمدی) میدادند اما نمایش های آنها نمایشنامه نداشت و بازیگران در صحنه بداعتاً جملاتی می گفتند بهیل و سلیقه خود حرکاتی میکردند. ذیلا چند نمونه از تفریحات شبانه در قهوه خانه ها شرح داده میشود:

نقالی

◆ نقالی از هنر هائی است که در قهوه خانه تکوین یافته است. مردی که صدای رسا داشت و از اصول «د کلامسیون» کاملاً آگاه بود در سر شب که مردم از کار روزانه مراجعت میکردند و برای رفع خستگی در



مشتریان يك قهوه خانه



قهوه‌خانه جمع می‌شدند داستانهای پهلوانان ملی ایران را با بیان موثر و گیرنده‌ای برای حاضران نقل میکرد. احسن صدای نقال در مواقع مختلف بمناسبت موضوع تغییر مییافت و بعضی از نقالان بهترین قسمت‌های عمده شاهنامه را از بر کرده بودند و کسانی که درین کار ورزیده بودند اشعار را به آواز می‌خواندند.

نقالها گذشته از شاهنامه از روی کتابهایی مانند رموز حسره و اسکندرنامه و حسین کرد و خاورنامه که جنبه دینی و مذهبی داشت (در اسکندرنامه اسکندر را ذوالقرنین لقب داده و پیامبر معرفی کرده بودند) و خاصه درباره کرامات حضرت علی علیه السلام داد سخن میدادند و شورین کاریهای مهتر نسیم عیار و مهتر برین و مهتر عمر و را باشاخ و بربك فراوان و آبوتاب بسیار باز می‌گفتند. بطور کلی نقال درخشانترین چهره قهوه‌خانه است.

سخنوری

دیگر از سرگرمیهای خاص قهوه‌خانه سخنوری است که نوعی مباحثه و مناظره است. در شبهای ماه رمضان مردم و خاصه پیشه‌وران تمام وقت خود را از بعد از افطار تا هنگام خوردن غذای سحر و خواندن نماز صبح در قهوه‌خانه می‌گذرانند و بیدار می‌نشستند در این شبها قهوه‌خانه‌ها رونق و جلوه گری خاصی داشت و در قهوه‌خانه‌ها مراسم بسیار جالب سخنوری می‌کردند. در آخرین شب ماه

شعبان کسیکه متصدی سخنوری در قهوه‌خانه بود «اناک» خود را بدانجا می‌آورد و مشغول «پوست کوبیدن» می‌شد. اناک این سخنور عبارت بود از يك «سردم» و مقداری پوست بسرو پلنگ و آهو و گاهی پوست گوسفند و علامت‌سنفهای مختلفی که باید بدیوار قهوه‌خانه کوبیده شود و مقداری از «وصله‌های درویش» مانند رشته و کشکول و تبرزین و مطراق و شیخ نفیر واره پشت پلنگ و سنك قناعت و جز آن

سخنوری در ماه رمضان یکی از رایج‌ترین مراسم بود که تا پیش از پیش در بسیاری از قهوه‌خانه‌های تهران بر گزار میشد و مردمی که بسیاری از آنان سواد خواندن و نوشتن نوز نداشتند چندین هزار بیت شعر فارسی و بحر طویل و معما و لغز و مسقط و غزل و قصیده و رباعی و مرثیه و حمد و لغت میخواندند و گروهی دیگر که تعدادشان زیاد تر و بسیار در میانشان کمتر بود بارغبتی آمیخته با احجاب و تحسین به هنرنمایی و سخنگویی خوانندگان گوش می‌دادند و اغلب دهانشان از تعجب باز می‌ماند و چون بخورد میآمدند می‌دیدند شب بیابان آمده و هنگام سحری خوردن فرار سیده است.

امروز دیگر سخنوری در قهوه‌خانه‌ها معمول نیست اما تا چندین پیش که تهران هنوز يك دهم وسعت فعلی را نداشت در بسیاری از قهوه‌خانه‌ها این مراسم بر گزار می‌شد و

بسیاری از آن قهوه‌خانه‌ها هنوز هم باقی است (۱)

سخنوران تشکیلات مسلکی خاص نیز برای خویش دارند و تمام ایشان درویش و سرپرین گان سلسله خاص از متصرف هستند که بین خود آنان به «سلسله‌جم» معروف است. از خصایص آنها این است که باید شغلی داشته باشند و سؤال کردن و پرسه زدن را پیشه نگیرند لباس آنان نیز مانند مردم عادی است و هیچ گونه علامتی (مانند کوسو گذاشتن و کفن پوشیدن) ندارند.

قهوه‌خانه‌هایی که برای سخنوری آماده میشد علامت آن صنف را بدیوارهای قهوه‌خانه می‌آویختند و هر کس آن ایست که روی دیوار پوست (آهو - پیر - پلنگ) و کنار آن علامت يك صنف و پس پوست دیگر و پس از آن علامت صنف دیگر را میکوبیدند. نشان هر يك از این صنف‌ها هم عبارت بود از یکی دو تا از افزارهای آنان که بمقیاس کوچک تری ساخته میشد و بدیوار روی سنك یا پارچه‌ای آویخته یا بامیخ کوبیده می‌شود. بعضی از صنف‌ها عبارتند از:

- ۱- نانوا (لواش‌پز) ۲- سلمانی
- ۳- پهلوان ۴- قصاب ۵- پالان‌دوز
- ۶- لعبد ۷- مکاری (چارپسادی)
- ۸- سقا ۹- چاوش ۱۰- لوطی
- ۱۱- پاره‌دوز ۱۲- درویش ۱۳- مرده شوی (علامت این صنف لیف و صابون است) ۱۴- روزه‌خوان (علامت آن

منبر بوده) ۱۵- بوجار ۱۶- قهوه‌چی ۱۷- پوست‌نشان کرسی با پا. سخنوری در ابتدا بقصد تبلیغ مذهبی و ترویج مذهب شیعه بوجود آمد اما بعداً تغییر شکل داد و جنبه مذهبی آن حذف شد.

ترتیب کار در سخنوری اینست که سخنور از اول وقت در سردم حضور می‌یابد. پس از آنکه جمعیت قابل توجهی گرد آمد سخنور مطراق (چوب دستی) را بر میدارد و

- ۱- برای نمونه بعضی از قهوه‌خانه‌ها را نام میبریم
- قهوه‌خانه عباس مرغی واقع در بازار مرغی‌ها (بازار کفایه‌های فعلی)
- قهوه‌خانه علی لطفی در وازه دولاب
- قهوه‌خانه نارون خیابان ری‌های ماشین
- قهوه‌خانه حبیب اسماعیل آتشی نزدیک سید اسمعیل - قهوه‌خانه حاج آقاعلی خیابان برق کوچه امین دربار - قهوه‌خانه شاهر علی خیابان این سینا سه راه ژاله - قهوه‌خانه مهدی علی خیابان فخر آباد - قهوه‌خانه در وازه نو یا قاپوق نزدیک کوچه تخت بل - قهوه‌خانه سید اسمعیل چهار راه حسن آباد - قهوه‌خانه محمدخان میدان شاپور - قهوه‌خانه سید اسمعیل چهار راه حسن آباد - قهوه‌خانه محمدخان میدان شاپور - قهوه‌خانه سید علی - قهوه‌خانه ابوالحسن اول پامنار - قهوه‌خانه عزیر میدان بهارستان - قهوه‌خانه علی ابراهیم بازار چاه سقا باشی - قهوه‌خانه حسین علی‌نگی خیابان برق - قهوه‌خانه مهدی تقی خیابان باغ بسته بك و غیره



بدست یکی از حاضران می‌دهد این امر نشانه آنست که باید آن شخص غزلی یا آهنگ بخواند و برای استقرار سکوت صلواتی فرستاده میشود و غزل خوان بخوانند میپردازد. این کار چندین بار تکرار میشود و جماعت سخنور دست بدست می‌گردد تا توجه مردم بخوبی جلب شود. آنکاه گفتگوی سخنور و حریرت که معمولا یکی از حاضران است آغاز میگردد و آنچه در این گفتگو بسیار جالب توجه است کوششی است که هر یک از حریران برای بیرون کردن خصم خویش از میدان میکنند و این امر نشانی از علت اصلی سخنوری را که استقرار مذهب شیعه و اثبات بطلان مذهب سنت بوده است در بر دارد.

گاهی در روزها این نوع قهوه-خانه‌ها برای کشیدن انواع بنک مورد استفاده قرار میگیرد و غالب کسانی که باین مکانها میآیند بیشتر شوق آن دارند که ضمن شنیدن داستان‌های نقال یا سخنور به چپهای مملو از بنک که با اصطلاح (فلاجی) میگویند یکی بزنند و در واقع کلمه فلاج عبارت از یک زدن محکم و نشسته آور حشیش میباشد. گرفتن چپ مملو از بنک را از دست درویش گیرنده خود افتخاری میدانند.

گاه از سخنور میخواهند که بگویند سردم او چگونه پدید آمده و چه کسی آنرا بنا نهاده است. در این صورت باید به نبوت سردم بپردازد و پیداست که مقصود از «نبوت» بیان تاریخی پدید آمدن آن دستگاہ است و برای اینکه نمونه‌ئی از شعرها و بحر طویل‌های سخنوران نیز بدست داده شود بحر طویل مربوط به نبوت سردم را در زیر می‌آوریم:

«چند بیهوده زنی لاف سخن در بر من، دم مرز ای بیهوده گو زین سخنان ورنه چنان سخت بگورم سر

شود یا عزم رفتن کند دیگری را بر جای خود می‌گمارد و آنکه در سردم نوشته است باید جواب حریرانی را که بهایی می‌آیند و از او سوال میکنند بدهد.

مدارج سخنوری

نخستین گام برای سخنور شدن آنست که در او طلب غزلی یا مسطری را از بر کند و آنرا با صوت و لحن خاص بخواند و گروهی بهتر میدانند بجای غزل یک دستگاہ بخوانند یعنی «بسم الله» و «سلام» و حمد خدا و پیغمبر را با غزل همراه سازند از این روی چند رباعی سلام و بسم الله و جوابهای آنرا حفظ میکنند تا وقتی چماق (مطراق) سخنور بسوی آنسان دراز شد بتوانند هنر خویش را به عرض نمایش گذارند و دستگاہ کاملی بخوانند سپس تهیه بیاضی میکنند و اشعاری از روی آن فرامیگیرند و خود را برای مقابله با سخنور آماده میکنند.

درویشان قهوه‌خانه

سلسله عجم معمولاً دارای هفت منزلند و هر یک از سالکان در یکی از این منزلها سیر میکنند. این منزلها به ترتیب رفعت درجه و جلالت قدر عبارتند:

راحت که بر آری تو ز دل آه و وفغان می‌کنم این لحظه بیان تا که شوی واقف از آن هم زخفا همزه میان تا تو شوی آ که و واضح کنمت دایره فقر و فغانا ...

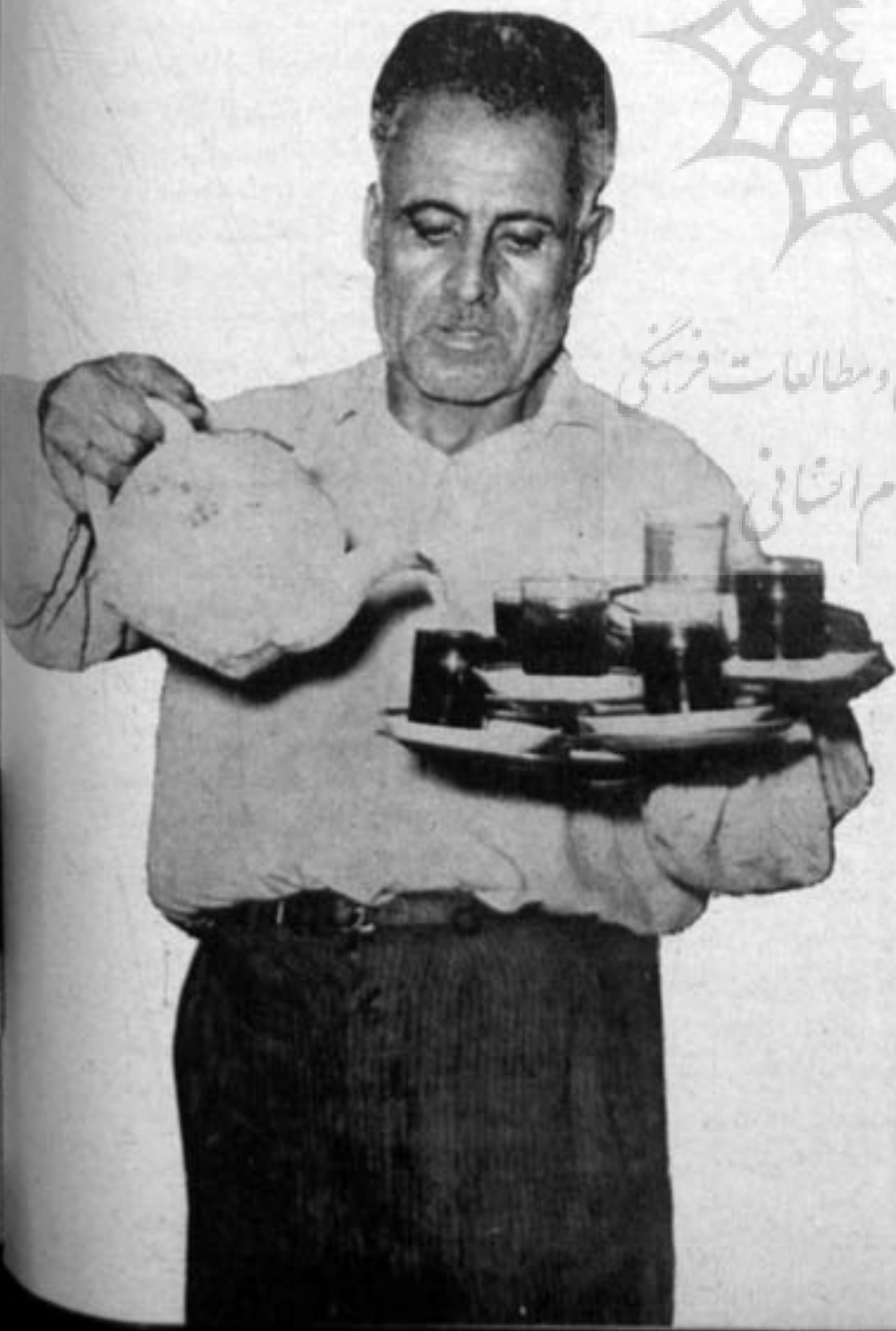
دو برابر شده از روز اول باعث این سردم و بریابتموندت چنین حرفه درویشی و بد نام یکی زان دو خلیل و دگری بود جلیل. این دو برابر شده بودند همی مخترع سردم و ترتیب بدادند چهار و سه ده سلسله را تا همه خیل در اویش به استادی آنها بنمایند و گرا حسن و تشویق نمایند چنین مالک با جود و سخا ...

سخن خوانند گاه گاه شعر خالص است که بیشتر در قالب محسن و مسقط سروده میشود و گاه مرکب از شعر و سخن است بدین ترتیب که ابتدا یک بند از مخمس یا مسقط را می‌خوانند و سپس یک بند از بحر طویلی که برای همین منظور پرداخته شده است می‌آورند. و پس از آن بند دیگر مخمس را باز می‌گویند و تا پایان به همین ترتیب گفتار خویش را ادامه میدهند. مثلاً این رباعی برای سلام ساخته شده است:

خسرو شود حریر من در پاسخ خلق سخنم گرفته چون و خلق خاهم (خواهم) شکتم از سر بیچانت شاخ خم کردی و از سرت فروریزد منخ (از تر کب جرف دوم هر مصرع کلمه سلام درست میشود) همچنانکه گفتیم معمولا باب گفتگورا یکی از حاضرین بعنوان حریر باز می‌کند پس از آنکه سخن حریر تازه وارد بیابان رسید سخنور که عریان شده و پارچه‌ئی به دوش افکنده است از جای بر میخیزد در برابر بسم الله حریرت بسم اللهی دیگر میخواند و غزل یا مسقط او را غالباً با همان وزن و قافیه پاسخ میدهد و نیز پس از خود ستایی فراوان اجازه می‌خواهد تا جواب حضم را بگوید.

این دورو تسلسل در شهبای ماه رمضان از سر شبت تا آنکاه که خروس سحر بانگ بر مه دارد دوام دارد. در میان خواندن اگر سخنوری خسته

- ۱- ابدال ۲- مفرد (بروزن محسن)
 - ۳- قضاپ ۴- درویش اختیار ۵- علمدار ۶- دست تقیب ۷- تقیب
- ابدال معمولا فرمانبردار دیگر درویشانند و در شعرهای سخنوری نیز غالبا باین گروه فرمان داده میشود تا کاری را انجام دهند اگر تقیب سلسله پس از مدتی ابدال را شایسته ترقی دید بدو لقب مفرد می‌دهد در مفردی دیگر لازم نیست که شخص شاگرد درویش باشد و از او کسب دستور بکنند. قضاپ شخصی است که با توانائی و اقتدار کارها را قطع و فصل کند و هر گاه از این درجه بالاتر درویش اختیار میشود اگر در قهوه‌خانه‌ای درویش اختیار وارد می‌شد و یکی از سخنوران امر می‌کرد که سکوت کند بی درنگ فرمان وی اجراء میگردد و از معاریف این درویش شاطر عباس صبوچی و حاج سید حسن رزاز پهلوان معروف است. بالاترین درجه در سیر و سلوک علمدار است که از جهت جلالت قدر بی فاصله بعد از تقیب است. دست تقیب اجرا کننده دستورهای تقیب سلسله عجم است



مطالعات فرهنگی
مؤسسه انسانی

و بمنزله قهوه مجریه او بشمار میرود.
شاعران و سخن سرايان معروف عبارتند:
مشکین - میرزا ابراهیم قدسی
- عطائی - شکواهی - قلمز - کپتر
ذوقی - مبهوت - اعمی - دری کناس
رضا آکبی - آشوب - طلوعی خراسانی
دونق - قانون - فیاض رشتی - خوشدل
جاذب - آصف - شهباز - سهائی -
یحیی اصفهانی - اشرف.

از معارف و درویش های (اختیار) عبارتند از:

شاطر اصغر ساکن صابون پزخانه
شاطر عباس صبوحي - حاج حسین
بابامشکین - اکبر صادق طواف -
شیخ حسن معروف به شعر - درویش
چراغعلی - عطائی شاعر معروف
سخننویز - رضا آکبی - حاج سید حسن
شجاعت معروف به حاج سید حسن رزاز
دیگر از سرگرمیها و تفریحاتی که
در قهوه خانه ها مرسوم است عبارتست
از:
شطرنج و نرد - تماشای کشتی
خرس با انسان - کنجقه و پیچاز - رقص
مومون - تخم مرغ بازی - تماشای
برده های مسور از واقعه کربلا - مختار
و غیره.

و همچنین است بازی شاه و وزیر. این
بازی در عرف عام معروف به «ترن بازی»
است و اغلب در بعضی قهوه خانه جنوب
شهر رایج بود.

قهوه خانه و اصناف

قهوه خانه ها به صنف های مختلف
اختصاص داشت و این امر تا چند سال
پیش مراعات می شد مثلا در خیابان
چراغ برق کوچه امین در بار قهوه خانه
بزرگی است که در سابق به قهوه خانه
حاج آفاطی شهرت داشت و مرکز
کارگران درودگر واره کش بود.

معماران و بناها و کارگران فنی ساختمانی
در قهوه خانه معروف قنبر در انتهای
خیابان ناصر خسرو گرد می آمدند
و صنف های دیگر مانند نانوای قصاب -
کفاش - شیروانی ساز و خریا کوب
و نقاش ساختمان نیز قهوه خانه ها
قهوه خانه های خاص خود داشتند. نظیر
این وضع برای مردم هر یک از ولایات
وجود داشت یعنی هر قهوه خانه ای مختص
مردم یکی از ولایات بود.

مثلا اراکیان مقیم تهران در
قهوه خانه یی موسوم به قهوه خانه پنجه
باشی در خیابان ناصر خسرو نزدیک
شمس العماره گرد می آمدند و هر تازه
وارد اراکی می توانست همشهریان خود
را در این هاتوق ببیند و پیامهایی را که
از دیار خویش آورده به همشهریانش
برساند.

قهوه خانه در این زمان وظیفه
دیگری را نیز بر عهده داشت و آن این
بود که کارفرمایان برای استخدام
و دعوت کارگران بی کار برای بدست
آوردن شغل به قهوه خانه میرفتند و نیز
شب هنگام نیز همی از دست کشیدن از کار
تا کارفرما باز به این محل می آمدند
و به حساب و کتاب خویش می رسیدند.

بررسی اجتماعی

قهوه خانه های تهران

پس از آنکه به تقلید مردم اروپا
سینما و تئاتر و کافه قنادی و کافه رستوران
و هتل در تهران دایر گردید قهوه خانه ها
از رونق افتاد و تیپ قهوه خانه دروهارو نیز
تغییر یافت. قهوه خانه که یک روز مجمع
ادبای شعر و محفل تبلیغ و ارشاد مردم
و حتی محل پذیرائی پادشاهان صفوی
بود یکباره اختصاص طبقات متوسط
روی پیمان و کارگر یافت و امروز
قهوه خانه محل استراحت بسیاری رفق
خستگی و پیاطوق کارگران در حقیقت

خانه دوم آنهاست. کارفرمایان برای
استخدام و دعوت کارگر بکار و هم
چنین کارگران بیکار برای تهیه کار
و یا تسویه حساب بین کارگر و
کارفرما به قهوه خانه ها رفت و آمد
میکنند.

پراکندگی قهوه خانه هادر شهر و علل آن

تعداد قهوه خانه ها از نیاوران
تا شهری ۱۵۰۰ است که ۱۲۳۴ در
تهران و ۲۶۶ آن در حومه تهران
است و اگر میدان سپه را مرکز
تهران فرض کنیم و خیابانهای امیر -
کبیر و سپه را که این میدان شرقا و
غربا قطع می نمایند ادامه دهیم و با این
ترتیب تهران را بدو قسمت تقسیم نمائیم
تعداد قهوه خانه هایی که در جنوب این
خط واقع میشود ۷۸۳ باب است و حال
آنکه فقط ۴۵۱ باب در شمال خط معروف
قرار میگیرند و علل مهم این پراکندگی
عبارتند از:

- ۱- قدیمی بودن محلات جنوبی
و جنوب شرقی و جنوب غربی
- ۲- وسائط نقلیه موتوسیوری
فواصل بین قهوه خانه ها از زیاد نموده
است اگر محلات قدیمی تهران
مراجعه شود قهوه خانه ها بایکدیگر
فاصله زیادی ندارند و حتی گاهی بیش
از چند قدم فاصله بین آنها نیست و
حال آن که پس از بنا افتادن اتومبیل
و اتوبوس قهوه خانه ها بیشتر جای
خود را در انتهای خطوط اتوبوسرانی
که معمولا به میدان های بزرگ شهر
منتهی میکردند انتخاب نموده اند
و برای تأیید این مطلب سه میدان
(میدان ۲۴ اسفند - میدان فوزیه و
میدان خراسان) مراجعه شده است.
در میدان ۲۴ اسفند تعداد قهوه خانه
ها در میدان فوزیه ۷ و در میدان
خراسان ۴ است.
- ۳- چون مشتریان قهوه خانه
ها در حال حاضر اغلب طبقه - دوم می-
باشند که برای رفع خستگی و پایداری
کردن کار بدینجا مراجعه میکنند لذا
پراکندگی قهوه خانه ها رابطه
مستقیم با طبقه اجتماعی پیدا میکند
در محلاتیکه محل سکونت طبقه سوم
و طبقات متوسط رو بیاتین است تعداد
قهوه خانه ها زیادتر و در محل سکونت
طبقات متوسط رو بالا و یا طبقات بالا
تعداد قهوه خانه ها کمتر است.
- ۴- در هر یک از محلات که
محل تجمع کارگرو یا فعالیت اقتصادی
باشد تعداد قهوه خانه ها بیشتر است
مثل بازار که قهوه خانه ها بیکدیگر



فوق العاده نزدیک و تعداد آن بیش از
سایر محلات میباشد.

۵- مقررات صنفی - اتحادیه
صنف برای صدور اجازه نامه تأسیس
قهوه خانه حداقل فاصله را یکصد متر
تعیین نموده است بنابراین دیگر
نمی توان مثل سابق در کمتر از این
فاصله قهوه خانه دایر کرد.

۶- چون قهوه خانه بیشتر محل
تجمع کارگران ساختمانی است
در هر کجا که فعالیت ساختمانی شدت
پیدا کند قهوه خانه ایجاد می گردد.
۷- در محله هایی که تهران را
بشهرستانهای دیگر مربوط می سازد
تعداد قهوه خانه زیادتر از سایر
قسمتهاست. و این وضع در گذشته
هم که تهران دارای دروازه هایی بود
و وجود قهوه خانه در نزدیکی محل
دروازه ها کاملا صادق است.

۸- کرانی زمین و وجود
سرفظی های سنگین و اجاره بهای
زیاد در محلات شمالی یکی از علل
عدم تقلیل تعداد قهوه خانه ها در
شمال تهران میباشد.

۹- تغییر روحیه مردم و
پیشرفت فرهنگ عمومی و پیدایش
وسائل تفریح جدید از علل مهمی
است که باعث کم شدن تعداد قهوه خانه
در قسمتهای شمالی تهران شده است.
در خاتمه باید گفت که با
تحولات فکری و پیشرفت فرهنگ
دیگر قهوه خانه ها نمیتوانند مانند
گذشته یک وسیله تفریح منحصر بفرد
و مؤثر باشند و روی این اصل روز-
بروز از تعداد آنها کسر میشود و
دیری نخواهد گذشت که قهوه خانه
بکلی از بین خواهد رفت. ●●

مسجد مسلمانان در هامبورگ

در هامبورگ مسجدی که از طرف ایرانیان ساخته می شود بزودی
افتتاح خواهد یافت. این مسجد گنجایش ۴۰۰۰ نفر را دارد و از لحاظ
زیبائی و فن معماری زیار و پا جلب توجه فراوان کرده است.

